

# مجله موسیقی

شماره سوم

خرداد ماه ۱۳۱۸

سال اول



## موسیقی از نظر پرورش افکار

پروفسور شاکه علوم انسانی و خطابه سرکار کسر کرد مین باشبان رئیس موسیقی  
رتال کشور و او کمبلینان موسیقی سازمان پرورش افکار، که در  
روز پنجشنبه سوم خرداد پیش از کنسرتی که ارکستر  
اداره موسیقی کشور در تالار دبیرستان دارالفنون داد،  
ایراد نمودند.

موسیقی بخشی است طبیعی و از احتیاجات اولیه بشر بشمار میرود. دانشمندان معتقدند که در ابتدا کلام و صوت توأم بوده و انسان اولیه احساسات و احتیاجات خود را بوسیله اصوات مقطع بیان مینموده و هنوز هم قبایل وحشی وجود دارند که با صدای موزون احتیاجات و عواطف خود را بهم می فهمانند. ولی همینکه بشر شروع به نشو و نما کرد و سخن بوجود آمد احساسات و عواطف خود را بوسیله آهنگ های موزون

ابراز میداشت .

موسیقی با آنکه پیش از سایر هنرهای زیبا: مانند نقاشی - معماری - حجاری و غیره وجود داشته پیشرفت و تکمیل آن بیش از سایر هنرها بطول انجامیده است . هرگاه به کتیبه‌ها و حجاریهای تمدن قدیم مراجعه کنیم می بینیم که در مصر و چین و هند و بعد در یونان و ایران موسیقی مقام بسزائی داشته و آلات موسیقی مانند : چنگ - رود - بریط - فی - طبل - تنبور - سنج و غیره موجود بوده است .



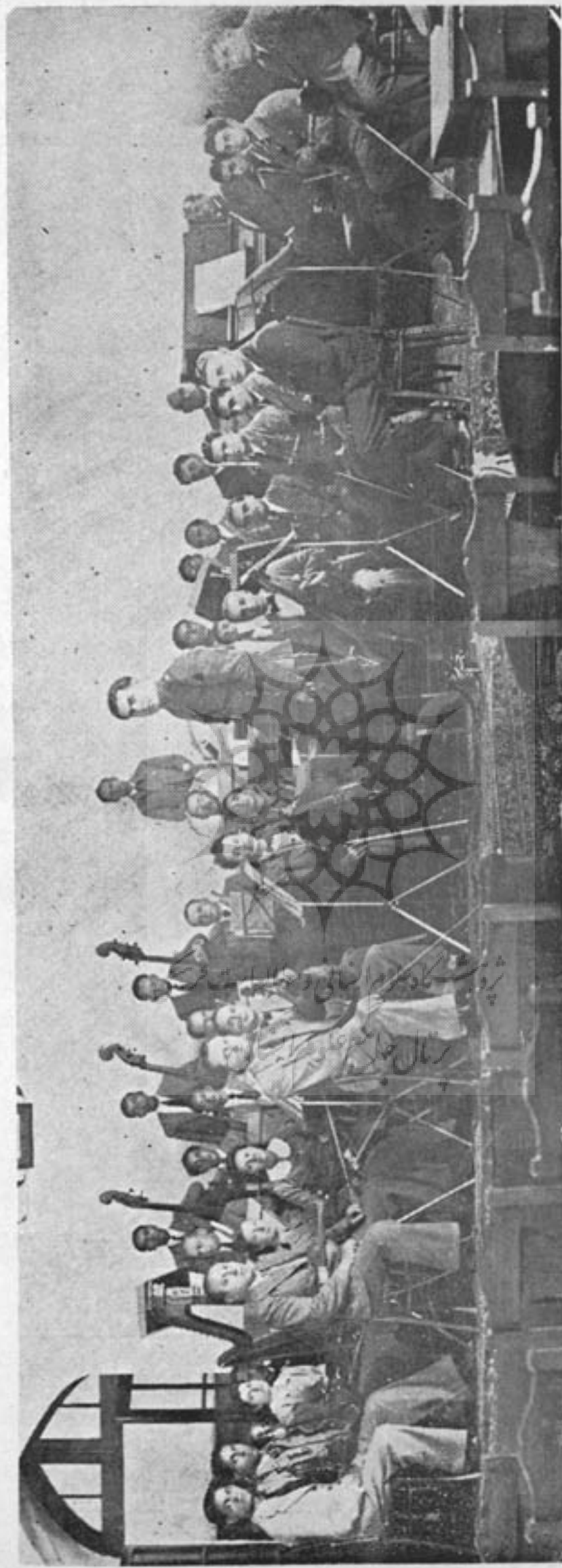
موسیقی دارای عوامل مختلفی است . البته همه می دانند که موسیقی زاده صوت است و صوت در طبیعت بانواع مختلف وجود دارد مانند : وزش باد - غرش طوفان تلاطم امواج دریا - و غیره ولی اهل فن صدائی را صدای موسیقی گویند که برای گوش خوش آیند و زیبا باشد . و البته زیبایی شرط اول همه هنرهای زیباست .

موسیقی علمی امروزه دارای سه عامل اصلی است : یکی ملدی که آنرا آهنگ مینامیم . دیگری وزن و سوم هارمونی که علم تناسب و توافق اصوات است .

۱ - ملدی یا آهنگ يك رشته صداهاي موسيقي است که متوالياً یکی بعد از دیگری خوانده یا نواخته شوند. ملدی در حقیقت همان آواز طبیعی است که از ابتدا با بشر همراه بوده؛ و حتی این موهبت در بعضی از پرندگان نیز وجود دارد. بنابراین حس ملدی در انسان امری است طبیعی و بر بشر کشف نشده بلکه بشر فقط در صد تکمیل آن برآمده است .

دوم وزن - وزن در موسیقی نظم و ترتیبی را گویند که در سرتاسر یکقطعه موسیقی وجود دارد وزن در طبیعت نیز بانواع گوناگون موجود است مانند : راه رفتن ضربان قلب - نفس کشیدن - تاخت و تاز اسب - و غیره که حرکات موزون میباشند . لذا وزن را نیز بشر مانند ملدی از طبیعت آموخته است .





از کتر هنرستان عالی موسیقی که از هنر جوان هنرستان و عده از استادان موسیقی تشکیل شده

در موقع کنسرت روز پنجشنبه سوم خرداد در تالار دبیرستان دارالفنون



پروہشکارو علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



اهمیت وزن در عالم موسیقی بسیار است. چه همانطور که لازمه شعر وزن است لازمه موسیقی نیز وزن میباشد. بطوریکه هرگاه يك سلسله صدا های موسیقی را متوالیاً بدون وزن مخصوصی و با يك اندازه كمش بشنویم تأثیر بخصوصی در ما نخواهد كرد. ولی همینکه كمش مخصوصی برای هر يك از صداها تعیین و ضربی بآنها بدهیم، آصداها نسبت به وزن های مختلفیکه دارا میشوند تأثیرات گوناگون در ما خواهند نمود. مثلاً اگر بآن صداها وزن و ضرب رنگ بدهیم تمایل برقص تولید میشود. هرگاه بهمین صداها وزن مارش بدهیم میل براه رفتن موزون ایجاد میگردد. بهمین ترتیب وزن مخصوص مغازله میل به آوازه خوانی را تحریك مینماید. پس اگر وزن در آهنگی وجود نداشته باشد مانند شعری است بدون وزن.

اما عامل سوم - هارمونی که ما آن را توافق یا تناسب صداها مینامیم، برخلاف ملدی صدا های مختلفی هستند که در آن واحد شنیده شوند. تا وقتی که قواعد هارمونی کشف و برقرار نشده بود بشر یکصدا خواننده و مینواخته است و اگر هم چند نفر باهم میخوانده یا مینواخته اند هم آهنگ بوده. ولی با پیدایش هارمونی موسیقی چندصوتی بوجود آمده و در نتیجه انقلاب بزرگی در عالم موسیقی پدید آمد. برای روشن کردن مطلب اگر صدا را برنگ تشبیه کنیم همانطوریکه از اختلاط رنگها هزاران گونه رنگهای فرعی بدست میآید از ترکیب و توافق دادن صدا هائیز حالت های گوناگون احساس میگردد. برای ترکیب و تناسب اصوات و اتصال و ارتباط آنها با یکدیگر قواعد و اصولی وضع نموده اند که آنرا علم هارمونی یا تناسب موسیقی نامند.

اینك با شرح مختصر بکه اشاره شد میتوان حدس زد که پیدایش هارمونی چه ثروت هنگفتی بعالم موسیقی بخشوده و برای ابراز هزاران احساسات رنگارنگ چه وسیله گرانبھائی بدست موسیقی دانها داد. هر چند در ابتدا هارمونی بیشتر برای تقویت وزینت ملدی بکار برده میشد و تحت قوانین سختی قرار گرفته بود ولی متدرجاً دست توانای خدایان موسیقی زنجیر قوانین سختی را که برای آن وضع نموده بودند ازهم گسیخته و موسیقی مثل آنکه پر و بال یافته با جسارت و سرعت عجیبی بسوی آسمانهای ناشناس

پرواز نمود .

سپس علمای علم الاصوات با تجربیات علمی که بعمل آوردند معلوم داشتند که يك صدا بحالت ساده و مطلق وجود ندارد و مانند نور خورشید که ترکیبی است از گام رنگ ها هر صدائی نیز دارای يك سلسله اصوات دیگری که با آن نزدیکی و توافق دارند می باشد .

مثلاً وقتی صدائی بتنهائی بوسیله سازی مانند پیانو تولید شود گوش غیر عادی در مرحله اول همان يك صدا را می شنود در صور تیکه اگر دقیق شویم و مخصوصاً اگر گوش هم معتاد و تربیت شده باشد تا دو صدای مختلف دیگر را که بستگی نزدیک تری با صدای اولی دارند خواهیم شنید . ولی بوسیله ادوات مخصوص تجربیات فیزیکی باثبات رسیده که در نتیجه ادامه ارتعاشات صداهاى دیگری نیز تولید میشوند ، منتهی ساختمان گوش بشر طوری است که نمیتواند بطریق عادی کلیه این صداها را تشخیص بدهد . بالنتیجه هارمونی یا توافق و نسبت صداها هم مثل دو عامل دیگر موسیقی امری است که در طبیعت وجود دارد .

البته هارمونی یکی از مباحث مهم موسیقی علمی است ، ولی بحث آن پیش از این خارج از موضوع سخنرانی امروز ما خواهد بود . اما همینقدر متذکر میشویم که علم هارمونی امروزه پایه و اساس موسیقی ممالک متقدمه قرار گرفته و بقدری در توده عمومیت و رسوخ پیدا کرده که امری طبیعی شدم ؛ بطوریکه خود در فرنگ دیده ام اشخاصیکه حتی هیچگونه تحصیلات موسیقی نکرده بودند وقتی می خواستند با اتفاق آهنگی بخوانند هر يك با صدای مختلفی که در ضمن توافق و تناسب داشت می خواندند . ولی موسیقی شرقی فاقد این عامل سوم بوده و موسیقی ما هم - باستثناء موزیک های ارتش که سالهاست هارمونی را در نغمات خود بکار می برند - هنوز فاقد هارمونی است .



با وجود این ایرانیان همانطور که دوستدار علم و ادب بوده اند ، موسیقی را نیز





کارمندان ارکستر هنرستان عالی موسیقی



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



دوست داشته اند زیرا اگرچه از موسیقی قدیم ایران اسناد زیادی در دست نمی باشد ولی از قراین چنین استنباط میشود که مقام بسزائی داشته است. و در دوره ایران قدیم چنانکه از قسمت های کهنه اوستا و مخصوصاً «گاتها» بر میآید موسیقی ای وجود داشته که با اشعار سیلابی در مراسم مذهبی با آواز و شاید بهمراهی ساز میسروده اند.

در دوره ساسانیان علاوه بر سرودهای مذهبی، ترانه های عامیانه و ملی و سرودهای بزومی درباری نیز وجود داشته است. متأسفانه از سرودهای باربد و سرکش و نکیسا بجز نام چیزی در کتب ضبط نشده است. اما چنانکه از شرح مورخین و شعرا بر میآید این سرودها از روی سیلاب و بهمراهی آلاتی مانند: چنک - فی - عود - و غیره سروده میشده. و حتی بقدری موسیقی دارای رونق و اعتبار بوده که موسیقی دانها را از خارج جلب می کرده اند. مثلاً فردوسی در سرگذشت بهرام گور اشاره باین مطلب میکند و حمزه اصفهانی می نویسد:

« بهرام گور فرمان داد مردم نصف روز را کار کرده و نصف دیگرش را آرمیده بیاده گساری و تفریح بگذرانند، و مخصوصاً قید کرد که بهمراهی موسیقی و آواز میگساری بنمایند، در نتیجه موسیقی دانها طرف تقاضای عموم واقع شدند؛ بطوریکه مخارج دعوت ایشان اغلب از هزار درهم تجاوز می کرد.

« روزی بهرام گور بر گروهی گذشت که بدون آوازه خوان مشغول باده نوشی بودند؛ بایشان گفت: « مگر من دستور ندادم که در هنگام باده گساری آن داشتن آوازه خوان دریغ نکنید» آن گروه شرط احترام بجای آورده بیاسخ گفتند: « ما جویای یکنفر آوازه خوان شدیم و حاضر بودیم بیش از هزار درهم کارسازی کنیم ولی کسی را پیدا نکردیم.» بهرام در حال قلم و کاغذ خواست و از پادشاه هندوستان تقاضای اعزام آوازه خوان کرد. پادشاه هندوستان دوازده هزار نفر آوازه خوان برایش فرستاد که او در اطراف مملکت خویش پراکنده ساخت.»

بعد از اسلام اگرچه موسیقی دانهای سرشناسی مانند: فارابی و ابوعلی سینا و غیره بوجود آمدند و در دنیای اسلام نهضت موسیقی بدست ایرانیان انجام گرفت،

با وجود این بتدریج از اهمیت و اعتبار آن کاسته شد و تکمیل آن عقیم ماند و بالاخره طفیلی مجالس تفریح گردید و در نتیجه از استفاده اکتشافات موسیقی علمی جدید و متداول نمودن آلات نوین موسیقی که پایه‌های سایر ترقیات پیش میرفت محروم ماند. در اینجا بی‌مناسبت نیست بدین نکته اشاره کنیم که موسیقی در گذشته بین عموم ملل اسیر کلام بوده، باین معنی که در مراسم مذهبی بهمراهی سرودنواخته میشده و در هنگام بزم و طرب آهنگ با شعر ادا میشده. و عموماً تصور مینموده اند که موسیقی بتنهائی قادر بتوصیف احساسات بشری نیست و موسیقی را فقط زینت کلام و وسیله تهییج حرکات موزون می‌دانستند. بطور شاهد قطعه امیر خسرو دهلوی را ذکر میکنم:

مطربی میگفت با خسرو که: ای گنج سخن ،  
علم موسیقی ز علم شعر نیکو تر بود ؛  
ز آنکه آن علمی است کز دقت نیاید در قلم ،  
لیک این علمی است کاندرا کاغذ و دفتر بود .  
یاسخن دادم که : من در هر دو معنی کاملم ،  
هر دو را سنجیده بر وزنیکه آن در خور بود ؛  
فرق گویم من میان شعر و کلام معقولانای در طبات فریبگی  
رتال جامع علوم اسلامی  
نظم را علمی تصور کن بنفس خود تمام ،  
گونه محتاج اصول و صوت خنیا گر بود .  
گر کند مطرب بسی هان هان و هون هون در سرود ،  
چون سخن نبود ، همه بی معنی و ابتر بود .  
نای زن را بین که صوتی دارد و گفتار نی ،  
لاجرم در قول محتاج کس دیگر بود .  
نظم را حاصل عروسی دان و نغمه زیورش ،  
نیست عیبی گر عروس خوب بی زیور بود .



( البته اشعار محکم نیست فقط بطور شاهد و مثال عرض شد )  
خدمت دیگری که اروپائیا بموسیقی کرده اند این است که **موسیقی را از بند کلام آزاد ساختند** . و توانائی آن را بجائی رساندند که گذشته از تقویت وزینت کلام خود بطنهائی قادر است احساسات و عواطف بشری را توصیف و تهییج نماید . قدرت موسیقی علمی بجائی رسیده است که واگنر Wagner موسیقی دان بزرك آلمانی میگوید :  
« **آنجا که کلام باز میماند ، موسیقی آغاز میگردد .** »

تأثیر موسیقی نه تنها در بشر بلکه در دنیای حیوان و نبات نیز انکار ناپذیر است . غالب حیوانات در مقابل موسیقی متأثر میشوند و موسیقی تأثیر مغناطیسی در آنها می نماید .

همه میدانند که مارافسا بوسیله موسیقی حالت هیپنوز در مار تولید مینماید . در اغلب حیوانات هم موسیقی مؤثر است و دیده شده است که صدای موسیقی جلب و رام میشوند . مثل اینکه مشغولیات عادی زندگی را در آن لحظه فراموش میکنند . تأثیر زنگ قافله در شتر و سایر حیوانات بارکش و تأثیر زنگوله های گاو پیش - آهنک در گله و بالاخره تأثیر موسیقی در مرغان خوش الحان بقدری در کتب و ادبیات ذکر شده که لازم بتوضیح نیست .

موسیقی حتی در نباتات نیز مؤثر میباشد گذشته از اینکه پیشینیان کما اندازه باین مطلب پی برده بودند اخیراً پروفیسور بوئز Bhose طبیعی دان مشهور هندی ، که تا چند سال پیش حیات داشت ، برای اولین بار بوسیله تجربیات علمی زیاد این مطلب را ثابت نموده است . و چون تجربیات او جالب توجه است مختصراً ذکر میکنم :

پروفیسور نامبرده ، اول تأثیر مواد مخدره را در نباتات بوسیله آلات دقیق و فوق العاده حساس علمی که شخصاً اختراع نموده و دارای ماشین مخصوصی است که درجه احساس نباتات را در مقابل تاثرات خارجی ضبط و بوسیله گرافیک ( خطوط نمایش هندسی ) نمایش میدهد سنجیده است . باینطور : اول درجه احساس بعضی از درختها را در حال طبیعی بوسیله آلات علمی خود بدست آورده و با گرافیک نمایش داده است .

بعد درجه احساس همان نباتات را در مقابل تأثیر الکل و مواد مخدره سنجیده و مشاهده نموده است که در گرافیک تغییرات کلی و قابل توجهی حاصل شده است ، بعد همان نباتات را در مقابل تأثیر موسیقی قرار داده . یعنی ماشین را بدرخت متصل نموده و در مقابل درخت موسیقی نواخته اند و تغییرات کلی در گرافیک ملاحظه نموده است . مخصوصاً برای تأثیر موسیقی تجربیات خود را عمیق تر نموده ، یعنی اول خیال کرده است شاید تغییر خطوط گرافیک در اثر ارتعاش امواج هوا روی شاخه درخت است . بدین جهت یکشاخه از درختی را از تأثیر ارتعاشات هوا مجزا داشته و آزمایش را تجدید نموده . باز ملاحظه نموده است که برای آن شاخه مخصوص در گرافیک اولی تغییری حاصل نشده ، و از این راه نتیجه گرفته است که موسیقی بخودی خود در نباتات مؤثر است .

حالا که صحبت از تأثیر موسیقی در نباتات بمیان است بی مناسبت نیست حکایتی را که چند سال قبل شنیده ام و جزئیات آنرا درست بخاطر ندارم نقل کنم . ولی باید عرض کنم که صحت و سقم آنرا بعهدہ نمی گیرم : یکی از دوستان حکایت میکرد در دره « مرادبیک » همدان آوازه خوانی را دیدم ، زیر بوته گلی که شبیه بگل سرخ بود نوای مخصوصی را میخواند . در هر اوج صدایک برگ گل جدا شده میافتاد و همین طور تا آخر آواز برگهای گل جدا شده بزمین ریخته بود .

پروپتانه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

بقیه دارد

